

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

بهرام رحمانی
۲۵ فبروری ۲۰۲۲

شصت و هشتمین جلسه دادگاه حمید نوری در ستهلم!

شصت و هشتمین جلسه دادگاه حمید نوری، متهم به مشارکت در اعدام‌های تابستان ۱۳۶۷، روز چهارشنبه چهارم اسفند ۱۴۰۰ – بیست و سوم فوریه ۲۰۲۲، در ستهلم برگزار شد.

شصت و هشتمین جلسه دادگاه حمید نوری، حمید اشتیری، زندانی سیاسی، نخست ادامه شهادت خود را به دادگاه ارائه داد. سپس کاوه موسوی و ربکا مونی که در تنظیم اولین شکایت از حمید نوری (عباسی) نقش داشتند، شهادت دادند. دادستانی سویدن ۲۷ ژوئیه ۲۰۲۱-۵ مرداد ۱۴۰۰، در اطلاعیه‌ای تحت عنوان «پیگرد جنایات جنگی در ایران» خبر از تحویل رسمی کیفرخواست حمید نوری به دادگاه داد. بر اساس این کیفرخواست حمید نوری با دو اتهام اصلی روبه‌روست: جنایت جنگی (نقض حقوق عمومی بین‌الملل، از نوع سنگین) و قتل. هر دوی این اتهام‌ها به دلیل نقش مستقیم در کشتار مخالفان و زندانیان سیاسی در سال‌های پایانی جنگ ایران و عراق و در سال ۱۳۶۷، علیه حمید نوری مطرح شده است.

کاوه موسوی توضیح داد که آشنایی او با تعدادی از زندانیان جان بدر برده از اعدام‌های سیاسی تابستان ۱۳۶۷ از جمله ایرج مصداقی به گردهمایی دانشگاه آکسفورد در آبان ۱۳۹۰ برمی‌گردد.

کاوه موسوی شهادت داد که از طریق تماس ایرج مصداقی در ۲۴ مهر ۱۳۹۸ وارد پرونده حمید نوری شد. او گفت ایرج مصداقی از او خواست تا در حوزه قضایی و حقوقی پرونده به او کمک کند.

کاوه موسوی شهادت داد که در نخستین جلسه فیلم‌برداری صورت گرفت و فیلم‌برداری تنها در سومین جلسه، آن‌هم نه با هدف پخش فوری آن انجام گرفت. شاهد گفت او با پخش آن فیلم مخالف بود. شاهد گفت او درباره این پرونده با رسانه‌ها برای نخستین بار در روز ۲۲ آبان ۱۳۹۸ و پس از اعلام خبر رسمی دستگیری نوری از طرف دولت سویدن، صحبت کرد.

ربه کا مونی، سومین شاهد امروز دادگاه بود. او شهادت داد که به درخواست کاوه موسوی و به عنوان وکیل مشاور او به این پرونده وارد شد. شاهد تأیید کرد که در بیست و هفتم مهر ۱۳۹۸ در جلسه‌ای در منزل مختار شلالوند، برادر یکی از اعدام‌شدگان تابستان ۱۳۶۷ در لندن شرکت داشت.

ربه کا مونی در آن جلسه در مصاحبه با شاهدان به‌طور جداگانه، شرکت و اظهارات آن‌ها را مکتوب کرد.

در آن جلسه کاوه موسوی، ایرج مصداقی و حمید اشتری نیز حضور داشتند. این جلسه و دو جلسه بعدی برای تشخیص هویت و نوع جرم احتمالی مظنون و تصمیم‌گیری و هماهنگی‌های اولیه برای دستگیری او صورت گرفت.

ربه کا مونی گفت در جلسه نخست مکالمه تصویری با هیرش، همسر دخترخوانده نوری انجام داد. هیرش، اطلاعات بسیاری در مورد مظنونی (حمید نوری) که در راه بود، در اختیارشان قرار داد.

ربه کا مونی گفت شهود با دیدن عکس‌ها، هویت حمید نوری را به‌عنوان شخصی که در زمان اعدام‌ها در زندان کار می‌کرده، با اطمینان کامل تایید کردند. او گفت در زمان انجام مصاحبه با شاهدان به نیما سروستانی اجازه فیلم‌برداری نداد.

در جلسه چهارشنبه، ابتدا وکلای مدافع حمید نوری ادامه سؤال‌های باقی‌مانده خود از نوبت قبلی دادگاه را با حمید اشتری طرح کردند.

حمید اشتری، زندانی سیاسی دهه شصت و از جان‌بدربرندگان اعدام‌های سال ۱۳۶۷ در زندان گوهردشت است و در جلسه امروز بنا به درخواست حمید نوری و وکلایش برای بار دوم در دادگاه حضور پیدا کرد تا به سؤال‌های باقی‌مانده پاسخ دهد. اشتری به‌عنوان یکی از شاکیان این پرونده، شهادت اصلی خود را دوشنبه دوم اسفند-۲۱ فوریه ارائه داد.

در آغاز وکیل مدافع حمید نوری گفت سؤال‌های زیادی ندارد و در وقت محدودی که دارند احتمالا بتوانند به همه آن‌ها برسند و سپس از حمید اشتری خواست واضح به سؤال‌ها پاسخ دهد. وکیل مدافع حمید نوری اولین سؤال را در مورد تاریخ مرخصی از زندان پرسید و حمید اشتری گفت ۱۸ بهمن ۱۳۶۷ از زندان گوهردشت، بند جهاد به مرخصی اعزام شده بود.

وکیل مدافع حمید نوری گفت: من می‌خواهم این مسئله روشن شود، دوشنبه من این‌طوری متوجه شدم که گفتی در تونل انسانی‌ای که درست می‌کردند تا از آن عبور می‌کردید به اتاق گاز بروید، حمید عباسی هم حضور داشته و دو بار او را دیده‌ای، یک بار ایستاده بود در گوشه‌ای و یک بار هم در ضرب و شتم مشارکت داشته، درست است؟
حمید اشتری: بله

وکیل مدافع حمید نوری: دوشنبه بخش‌هایی از بازجویی تو نزد پولیس سویدن را خواندیم، من می‌خواهم بخش‌هایی که وکیل مشاور هسلبری آن روز نخواند را بخوانم که در صفحه ۷۳۰ قرار دارد.

بر اساس متنی که وکیل مدافع حمید نوری خواند، پولیس پرسیده بود آیا هر دو بار تو خودت داوود لشکری و حمید عباسی را دیده‌ای، حمید اشتری جواب داده بود که دو بار لشکری را دیده و یک بار حمید عباسی. سپس حمید اشتری توضیح داد حمید عباسی (نوری) یک بار در ضرب و شتم مشارکت داشت و یک بار نداشت و منظورش این بوده، اما داوود لشکری هر دو بار در ضرب و شتم زندانیان حضور داشته است.

وکیل مدافع حمید نوری در ادامه بخش‌های دیگری از صحبت‌های حمید اشتری در بازجویی پولیس را خواند و به آن استناد کرد.

توماس ساندر، رییس دادگاه نیز گفت صحبت‌ها کمی متناقض است و مشخص نیست آیا نوری یک بار یا دو بار در ضرب و شتم مشارکت داشته است. بر اساس چیزی که وکیل مدافع حمید نوری خواند، توضیح داد در بازپرسی پولیس گفته نشده که حمید نوری در ضرب و شتم مشارکت داشته است، حمید اشتری تاکید کرد که چنین صحت ندارد و نزد پولیس در این باره صحبت کرده است.

قاضی ساندر گفت: دادستان‌ها و وکلای مشاور فرصت دارند که بررسی کنند و ببیند آیا چنین چیزی گفته شده یا نه که این ابهام بر طرف شود.

حمید اشتری گفت: صد در صد گفتم، من به عنوان کسی که در پولیس حضور پیدا کرده بود داشتم حجمی از اطلاعات را ارائه می‌دادم، و خودم الان متوجه هستم که بعضی چیزها اول و بعضی چیزها آخر است، اما در مجموع این بازجویی من در پولیس است که کامل‌کننده حرف‌هایم است، من صد در صد بیان کردم چون شاهدش بودم، اما این‌که کدام صفحه و کدام قسمت است نمی‌دانم.

وکیل مدافع حمید نوری: فقط این را مشخص کنید که طبق آگاهی خودت به پولیس گفتی عباسی را دو بار دیدی، یک بار در ضرب و شتم سهیم بوده و یا یک بار نبوده؟

حمید اشتری: بله درست است.

وکیل مدافع حمید نوری: همان‌طور که قبلا هم گفتم چیزهایی که ادعا می‌کنم صحبت‌هایی است که این‌گونه متوجه شدم، تو می‌توانی تصحیح کنی. دوشنبه گفتی وقتی از تونل رد می‌شدید آیا واقعا چشم‌بند نداشتید؟

حمید اشتری: «من یادم است برای اولین چشم‌بند نداشتیم، چون فکر می‌کنم اولین سری بودیم که داشتیم به اتاق گاز می‌رفتیم، ولی سری دوم صد در صد یک کارتن چشم‌بند پشت در بود. حتی همان موقع سری اول که از اتاق گاز آمدیم بیرون به همه ما چشم‌بند دادند، چون کولری که من مطرح کردم فکر کردم پنجره‌ها باز است، ولی باد کولر می‌آمد.»

وکیل مدافع حمید نوری: پس تو می‌گویی در حیاط بودید، شما را بالا به اتاق گاز بردند، چشم‌بند داشتید یا نه؟ حمید اشتری: آن دفعه نه.

وکیل مدافع حمید نوری: وقتی که قرار بود از بند بیرون بیایی و جابه‌جا شوید همیشه چشم‌بند داشتید؟

حمید اشتری: بله، در زمستان از کلاه استفاده می‌کردیم چون شبکه‌ای بود و می‌توانستیم ببینیم، در بقیه موارد هم ما خودمان چشم‌بند داشتیم و می‌زدیم...

رییس دادگاه به وکیل مدافع نوری گفت کافی است چون حمید اشتری پاسخ واضح را داد.

وکیل مدافع حمید نوری: دوشنبه در مورد واقعه‌ای گفتی که لشکری کاری کرده بود و ناصریان و عباسی هم آمده بودند، آن روز از تو پرسیدم شنیدی که ناصریان چیزی بگویند و تو گفتی نه...

حمید اشتری: فاصله بود و من متوجه صحبت نبودم، ولی صدای لشکری بلند بود و زندانیان دیگر هم شنیدند، مفهوم نبود چه می‌گویند.

وکیل مدافع حمید نوری: سؤال من همین است تو شنیدی که ناصریان چیزی بگویند؟

حمید اشتری: من نشنیدم هیچ کدام چیزی بگویند.

وکیل مدافع حمید نوری: بعدا کسی برای تو بازگو کرد که ناصریان در آنجا چه گفت؟

حمید اشتری: نه.

وکیل مدافع حمید نوری اجازه خواست تا در این رابطه بخش دیگری از بازجویی پولیس را بخواند.

وکیل مدافع حمید نوری: بعد او می‌رود (لشکری) این را برای ناصریان تعریف می‌کند و ناصریان و عباسی می‌آیند، وقتی که ناصریان آمد گفت همه کسانی که مسن‌تر از ۱۰ سال هستند بلند شوند (این بخش اشتباه شده احتمالا منظور از سن حکم بالای ۱۰ سال است) چشم‌بند بزنند و بلند شوند... توضیحی دارید؟

حمید اشتری: بعضی از چیزهایی که من در پولیس گفتم برداشت من در مورد غذا بود، چون دیگ غذا بیرون بود، چون داوود لشکری که آمد دیگ غذا بیرون بود و وقتی ناصریان آمد و تمام شد، دیگ غذا رفت داخل و برداشت من این بود ناصریان گفته بود دیگ غذا را ببرید و آن مرحله که گفتم حکم ۱۰ سال به بالا بود، یکی از دوستان من بعدا در خارج

از کشور برای من تعریف کرد و جزو نیروهای مارکسیست بود، گفت من جزو ۱۰ ساله‌ها بود که بیرون آمدم، آن دیالوگی که آنجا مطرح شد من اصلاً نمی‌دانم چه بوده...

وکیل مدافع حمید نوری: آخر در مورد پنجره است که گفتی عباسی را آنجا دیده‌ای، آیا عباسی آنجا تنها بود یا افراد دیگری هم بودند؟

حمید اشتری: پنجره این‌قدر بزرگ نبود چند نفر بایستند، من نمی‌دانم افراد دیگری هم بودند یا نه، ولی من داوود لشکری را هم را بالا ... دیده بودم. با توجه به این‌که چهره عباسی برایم آشنا بود او را دیدم، کس دیگری هم اگر بوده من یادم نیست.

وکیل مدافع حمید نوری: از کارکنان زندان کس دیگری را دیدی که نظارت کنند؟

حمید اشتری: یادم نیست دقیقاً، ولی بودند...

وکیل مدافع حمید نوری: یک قسمت دیگر از بازجویی پولیس در صفحه ۷۲۷ را می‌خواند و دیگر سوالی ندارد.

وکیل مدافع حمید نوری: در مورد ورزش دسته‌جمعی صحبت شده و شما این‌گونه جواب دادید: اما من خودم یادم می‌آید که ناصریان، عباسی و عرب از طریق این پنجره‌ها کنترل داشتند روی زندانیان... یادت می‌آید به پولیس این‌گونه گفته باشی؟

حمید اشتری: بله بله.

وکیل مدافع حمید نوری: آخرین سؤال، این پنجره‌ها که گفته‌ای کرکره‌های آهنی داشته است، وقتی که این شخص را پشت پنجره می‌بینی این کرکره آهنی وجود ندارد؟

حمید اشتری: من توضیحی بدهم، من منظورم این بود وقتی ما در حیاط هستیم ناصریان، عرب و عباسی می‌توانستند ببینند ما را کنترل کنند، و کل پنجره‌های سلول‌ها و بند کرکره‌ای بودند، و پنجره‌های راهرو کرکره‌ای نبودند، طبق چیزی که به یاد دارم، به همین خاطر توانستیم ببینیم.

وکیل مدافع حمید نوری از حمید اشتری تشکر کرد و گفت دیگر سوالی ندارد. سپس رئیس دادگاه از دادستان پرسید آیا پاسخی به قسمت‌هایی که وکیل مدافع نوری اعتراض کرد دارد، دادستان سپس توضیحاتی داد؛ بر اساس متن بازجویی پولیس که حمید اشتری گفته بود دو بار حمید عباسی (نوری) را دیده وقتی به اتاق گاز برده شده است. دادستان گفت ادعای وکیل مدافع حمید نوری درست است که بعضی چیزها مبهم است یا جابه‌جا گفته شده، اما این مورد را حمید اشتری گفته است.

سپس یوران یالمارشون گفت یک سؤال دارد: دوشنبه اسم اکبری برده شد ولی فرصت توضیح داده نشد، او کی بود؟ حمید اشتری: من در اداره پولیس ماجرای دیدن حمید عباسی را در خیابان توضیح دادم، من در همه صحبت‌هایم فقط از کلمه عباسی استفاده کرده‌ام، اما در آن دیالوگ دچار یک اشتباه لپی شدم... اکبری از دوستان گذشته من در زمان شاه بود، که بازجو و شکنجه‌گر من در داخل زندان شد، من یک موقعیت ویژه داشتم به خاطر این‌که ما در زمان شاه مجموعه‌ای دوست و بچه محل بودیم.

رئیس دادگاه گفت: همین کافی است و اشتباهی در روایت‌گویی پیش آمده است. ظاهراً حمید نوری قصد صحبت داشت، اما رئیس دادگاه گفت بهتر است بیرون برود و با وکلایش صحبت کند، اما نوری گفت در مورد دادگاه سؤال دارد.

رئیس دادگاه از حمید اشتری بابت حضور در دادگاه تشکر کرد و شهادت این شاکی در دادگاه از حمید نوری به پایان رسید.

حمید نوری در مورد نظم و ترتیب دادگاه اجازه خواست نکاتی بگوید. او گفت:

به نام خدا و ممنونم که اجازه دادید حرف بزنم، آقای قاضی شما می‌گویید هر کس می‌خواهد صحبت کند دستش را بالا بگیرد، چندین بار پیش آمده خانم دادستان و وکلا وقتی می‌خواهند به وکلای من اعتراض کنند بدون اجازه شما اعتراض می‌کنند، همین امروز خانم بنک و دادستان این کار را کردند و باعث می‌شود تمرکز وکلایم بهم بخورد، خواهش می‌کنم جلوی آن‌ها را بگیرید.

حمید نوری در حالی که این صحبت‌ها را می‌کرد با صدای بلند توضیح می‌داد.

رئیس دادگاه گفت: باید بگویم آن‌ها حق دارند وقتی می‌بینند نکته‌ای اشتباه هست ورود و اعتراض کنند.

حمید نوری: بدون اجازه شما؟

رئیس دادگاه: به محض اینکه سؤالی می‌بینند که غیرمجاز است با وضعیتی که ناجور است، اجازه دارند که دخالت کنند. درست نیست کسی که سؤال و جواب می‌کند کسی وسط حرف او ببرد...

حمید نوری: اما امروز این اتفاق افتاد.

رئیس دادگاه: وقتی دارم در مورد عملکرد دادگاه حرف می‌زنم، حرفم را قطع نکن. طبعاً وظیفه قاضی است که شرایطی ایجاد کند روند دادرسی درست پیش برود، اما این باعث نمی‌شود دست‌اندر کاران حقوقی وقتی به نکته‌ای بر می‌خورند تذکر ندهند، می‌توانند بلافاصله تذکر بدهند. پس الان می‌دانید روند دادرسی چگونه انجام می‌شود.

بعد از پایان شهادت حمید اشتری، کاوه موسوی از طریق تماس تصویری در دادگاه حاضر شد تا شهادت خودش را ارائه دهد. قاضی دادگاه به او گفت باید سوگند شهادت یاد کند.

خانم ربکا مونی از رئیس دادگاه خواست کمی روند دادرسی را توضیح بدهد و گفت آیا قصد دارند اتهامی را متوجه کاوه موسوی کنند؟ اما قاضی دادگاه گفت هیچ اتهامی قرار نیست به او زده شود و تنها شهادت ارائه می‌دهند. رئیس دادگاه به کاوه موسوی گفت در مورد مشارکت او با دادستان، بحث جرم بین‌المللی و صحبت‌هایی که در رسانه‌ها درباره حمید نوری گفته و سلسله مراتب زندان می‌خواهند با او صحبت کنند.

دادستان از کاوه موسوی خواست تا در دادگاه حاضر شود و سپس رئیس دادگاه گفت همه دست‌اندرکاران حقوقی هم به همین ترتیب در مورد مواردی که مطرح شده از او سؤال خواهند پرسید.

پس از ادای سوگند شهادت روند بازپرسی از کاوه موسوی با سؤال‌های دادستان آغاز شد. دادستان پس از معرفی خودش از کاوه موسوی خواست خودش را معرفی کند و پیشینه خودش را بگوید.

کاوه موسوی: شرکت مستقیم من در این رابطه به سال ۲۰۱۰ بر می‌گردد زمانی که جفری رابرتسون با من تماس گرفت تا در مورد قتل عام سال ۱۳۶۷ به وی گزارش بدهم.

دادستان: چرا با شما تماس گرفتند؟ نقش حرفه‌ای شما چه بوده؟

کاوه موسوی: من رئیس بخش حقوق بشر دانشگاه آکسفورد بودم و جفری رابرتسون را در رابطه با شغل و حرفه خودم ملاقات کردم.

دادستان: با این پرونده چگونه مرتبط شدید؟

کاوه موسوی: ابتدا به ساکن یک سمپوزیومی بود که دانشگاه آکسفورد در مورد کشتار ۱۳۶۷ داشت که من در آن نقش داشتم، نوامبر سال ۲۰۱۱.

دادستان: چگونه به این شکایت ورود پیدا کردید؟

کاوه موسوی: من با چندین نفر از قربانیان این سمپوزیوم در سال ۲۰۱۱ ملاقات کردم، خصوصاً آقای ایرج مصداقی.

دادستان: ایرج مصداقی با شما تماس گرفت؟

کاوه موسوی: ما تماس دائم با هم داشتیم از سال ۲۰۱۱ تا صبح روز ۱۶ اکتبر ۲۰۱۹ که مصداقی به من زنگ زد و از من خواست می‌توانم یک جانی بالقوه را دستگیر کنم که مستقیماً در اعدام‌های سال ۱۳۶۷ دست داشته است. گفت این را دستگیر کن. این تماس تلفنی ۱۵ دقیقه طول کشید و من یادداشت‌برداری کردم از حرف‌های ایرج و بعد بر اساس اصول حقوق و قضایی از من خواست به او کمک کنم، من هم گفتم به نقش او برمی‌گردد و وقتی اتهام می‌زنی برای اثبات چه چیزی در دست دارید؟

دادستان: پس توافق کردید که با هم ادامه بدهید؟

کاوه موسوی: ما همان موقع توافق کردیم که من تحقیق کنم و سؤال‌های بیش‌تری را مطرح کنم که ببینم این فرد کیست، چه کارهایی کرده و سمت سازمانی او چه بوده.

دادستان: آیا برای این سؤال‌ها پاسخی دریافت کردی؟

کاوه موسوی: من دقیقاً از او خواستم بگوید در مورد چه بازه زمانی صحبت می‌کنی؟ در مورد فتوا صحبت می‌کنی که خمینی ملعون صادر کرده بود؟

حمید نوری اعتراض کرد و با صدای بلند به کاوه موسوی گفت «معلون خودش و پدرش و مادرش است» و رییس دادگاه به او تذکر داد و گفت اجازه ندارد روند دادرسی را قطع کند وگرنه او را به اتاق دیگری منتقل می‌کنند. حمید نوری دوباره حرف‌هایش را تکرار کرد و قاضی گفت اگر همین‌گونه ادامه دهد به اتاق دیگری منتقل خواهد شد و این یک اخطار اولیه است و به حمید نوری گفت همه این‌ها به رفتار خود او بستگی دارد.

دادستان: پس کمی اطلاعات زمینه‌ای در این مکالمه تلفنی به شما داده شد. آیا تو و ایرج مصداقی با هم کنار آمدید؟

کاوه موسوی: بله به او گفتم ۲۴ ساعت به من وقت بدهد تا بررسی کنم. مدارکی در مورد حمید نوری برایم فرستاد و من خواندم جهت بررسی برای جرم جنایت علیه بشریت و ... ۲۴ ساعت وقت خواستم. بحث این بود که جرم را جنایت علیه بشریت اعلام کنیم یا جنایت جنگی و باید شرایط را بررسی می‌کردیم که ببینم در چه بازه زمانی این اتفاق افتاده است، آیا بعد از جنگ بود یا نه و این سؤال پیچیده‌ای برای من بود. بررسی کردم چه شکایت‌هایی وجود دارد که فرمول بندی شود، شکنجه، نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و ... و جرمی که در جریان بود این است که اجساد این افراد تحویل داده نشده است، به همین دلیل با جفری رابرتسون تماس گرفتم.

دادستان: قدم بعدی برای این‌که بتوانید طرح شکایت کنید چه بود؟

کاوه موسوی: سوال دوم این بود آیا حمید نوری که قصد سفر به ایتالیا را داشت، به سویدن برود یا ایتالیا و من باید بررسی می‌کردم روند حقوقی سویدن و ایتالیا را در ۲۴ ساعت و مشکل این بود چه‌قدر طول می‌کشد تا این فرد دستگیر شود.

دادستان: با هم قرار گذاشتید تا مدارک و شواهدی جمع‌آوری کنید؟

کاوه موسوی: من به ایرج گفتم دست‌کم به شهادت سه شاهد نیاز دارم که مستقیم با حمید نوری تماس داشته‌اند و خب این سه شاهد را گرفتیم. ما رفتیم آن‌ها را دیدیم و تصمیم گرفتیم دستگیری ترجیحاً در سویدن انجام شود چون من ۲۰ سال پیش با دستگاه قضایی سویدن برخورد داشتم...

دادستان: این شاهدها چه کسانی بودند؟

کاوه موسوی: حمید اشتری، مختار شالوند و ایرج مصداقی.

دادستان: آیا با آن‌ها ملاقات کردی؟

کاوه موسوی: بله، من آن‌ها را دیدیم، شنبه ۱۹ اکتبر و طی آن سه روز توانسته بودند یک تیم حقوقی تشکیل بدهند، چون من تشخیص دادم این یک کار سختی است چون حمید نوری ویزا را گرفته و در راه بود، و متوجه شدم که چرا ایرج نگران است.

دادستان: توضیح بدهید ملاقات با این شاهد‌ها چگونه انجام شد.

کاوه موسوی: بله من ایرج را در فرودگاه ملاقات کردم و به دیدار مختار شالوند رفتیم و اول با سه نفر صحبت کردم و در این زمان داماد ناتنی حمید نوری زنگ زد و من توانستم از او هم سؤال بپرسم، در واقع من ۴ شاهد در آن تیم داشتم.

دادستان: پس شما در خانه مختار شالوند ملاقات کردید؟

کاوه موسوی: بله درست است

دادستان: شما یک همکار هم به همراه داشتید، او که بود؟

کاوه موسوی: دکتر ربکا مونی

دادستان: مصاحبه را از چه کسی شروع کردید؟

کاوه موسوی: اول حمید اشتری، به صورت رسمی از ایرج مصاحبه نکردیم بلکه آن را بعدها از طریق اسکایپ انجام دادیم که دلایلش را توضیح می‌دهم...

دادستان: وقتی با حمید اشتری مصاحبه می‌کردی چه اشخاصی در اتاق حضور داشتند؟

کاوه موسوی: آن‌ها قسمت دیگری از خانه بودند، می‌آمدند و می‌رفتند اما بسیار دقیق بودیم که آن‌ها نشنوند این شاهد چه می‌گوید؟

دادستان: آیا از قبل در مورد متهم عکس و فیلمی دریافت کرده بودی؟

کاوه موسوی: نه، ایرج به من یک سری فتوکپی اسکن شده در مورد حمید نوری داده بود. بعد من خودم کمی تحقیق کردم، باید اعتراف کنم حمید نوری را از قبل نمی‌شناختم و اطلاعی نداشتم.

دادستان: وقتی با حمید اشتری مصاحبه می‌کنی آیا عکسی یا مدارکی از حمید نوری داشتید؟

کاوه موسوی: فقط مدارکی که ایرج مصداقی سه روز قبل در اختیار من گذاشته بود همان‌ها را داشتم.

دادستان: عکس هم میان آن‌ها بود؟

کاوه موسوی: نه، من به جفری رابرتسون زنگ زدم چون قتل‌عام ۱۳۶۷ را بررسی می‌کردیم، من از او عکس خواستم اما نوری را نمی‌شناختم و عکسی از او نداشت.

دادستان: پس تو هیچ عکسی به شاهد نشان ندادی؟ اطلاعاتی به شاهد ندادی؟

کاوه موسوی: نه هیچ اطلاعاتی بیش از آن چیزی که ایرج مصداقی به من داد چیز بیشتری نداشتم.

دادستان: شما چه سوالاتی از شاهد‌ها پرسیدید؟

کاوه موسوی: از حمید نوری اطلاعات دقیقی دارید؟ او را می‌شناسید؟ با او برخورد داشتید؟ این‌ها را به عنوان مدرک می‌خواستم استفاده کنم و از حمید اشتری پرسیدم.

دادستان: حمید اشتری از کجا فهمید در مورد چه کسی صحبت می‌کنید؟

کاوه موسوی: سؤال من همین بود که می‌خواستم مطمئن بشوم حمید اشتری همین حمید نوری را می‌شناسد؟ چون حمید نوری اسم مرسوم در ایران است و برایمان مهم بود از مشاهدات خود او بدانیم و حرف‌هایش برایمان قابل قبول بود.

داستان: از کجا فهمیدید همان شخص مد نظر است؟

کاوه موسوی: خوشبختانه هیچ کدام از این مصاحبه‌ها... عکس ویزای حمید نوری را داشتیم و من به حمید اشتري نشان دادم و گفت شک ندارم خودش است.

داستان: پس شما یک عکس به حمید اشتري نشان دادید؟

کاوه موسوی: بله عکس ویزا را...

داستان: دیگر چه عکس و فیلم‌های دیگری به حمید اشتري نشان دادی؟

کاوه موسوی: نه هیچی

داستان: در مراحل بعدی عکس‌ها و ویدیو از حمید نوری دریافت کردی؟

کاوه موسوی: بله فیلمی که داشت در ماشین آواز می‌خواند و شک نداشتیم که با عکس ویزا یکی است.

داستان: این فیلم را به کسی نشان دادید؟

کاوه موسوی: آن زمان در قانون سویدن نگاه کردم ببینم چگونه است و به یکی از روزنامه‌نگارهای معروف آمریکا نشان دادم.

داستان: این ویدیو را به سه شاهد نشان دادی؟

کاوه موسوی: نه من آن زمان ویدیو را نداشتیم...

داستان: پس عکسی به حمید اشتري نشان دادی، واکنش او چه بود؟

کاوه موسوی: گفت دقیقاً خودش است و گفت آدمی که تو را شکنجه کرده باشد فراموش نمی‌کنی... سپس داستانی برایم تعریف کرد که آقای عباسی تصادفی دیده بود. او را سوار ماشین کرده بود. همین برای من کافی بود پس خودش او را در تهران شناسایی کرده بود.

داستان: این‌ها را شما مستند کردید؟ نوشتید؟

کاوه موسوی: ما شهادت او را گرفتیم و بعد توضیح دادیم که در زندان گوهردشت زندانی بوده و چگونه با او برخورد شده، عباسی را چند بار دیده و حمید (عباسی) را خوب می‌شناخت.

داستان: بعد شما با کس دیگری هم مصاحبه کردید درست است؟ همان روز؟

کاوه موسوی: نه، آن زمان مصاحبه رسمی نبود، بعد یک روز دیگر با مختار شالوند مصاحبه کردم و با ایرج مصداقی هم از طریق اسکایپ شهادت گرفتم. برای این‌که مستند باشد به حرف اشتري ابتدا استناد کردیم.

داستان: وقتی با مختار شالوند صحبت کردید عکس و ویدیو به او نشان دادید؟

کاوه موسوی: ویدیو نه، عکس نشان دادیم، مختار حمید عباسی را آن زمان ندیده بود، فقط تجربیات زجرآور خودش را توضیح می‌داد در مورد برادرش که ساکش را تحویل داده بودند.

داستان: شما با چه افراد دیگری مصاحبه کردید که در گوهردشت حمید عباسی را دیده باشد؟

کاوه موسوی: این واقعیت است که این سه نفر با هم خیلی نزدیک و صمیمی بودند برای همین تصمیم گرفتیم که دو شاهد دیگر هم به پرونده بیاوریم که حرف‌های ما قابل استناد باشد که الان اسم‌های آن‌ها را به خاطر ندارم چون زیر مسائل حقوقی و پرونده تحت فشار بودم. شاهد دیگری بود که انگلیسی خوبی بلد نبود در سویدن بود و برایش ترجمه کردم و شاهد بعدی در نروژ بود.

داستان: به یاد داری عکس و ویدیویی به این افراد نشان داده باشید؟

کاوه موسوی: عکس ویزا را نشان دادم، ویدیو را با کسی به اشتراک نگذاشتم، ویدیو خیلی بعدها به دستم رسید. ما قبل از آمدن نوری به سویدن تنها ۲۰ روز وقت داشتیم و باید با ۳۰ تا شاهد حرف می‌زدیم، ایرج مصداقی خیلی کار خوبی کرد برای پیدا کردن شاهد‌ها و خیلی تلاش کرد. من گفتم با همین اطلاعاتی که حمید اشتري داده بود می‌توان حمید نوری را دستگیر کرد، من تجربه دارم و این را گفتم مطمئنم او را دستگیر می‌کنیم.

دادستان: آیا شما با مقام‌های سویدنی شکایت را تنظیم کردی؟

کاوه موسوی: بله، بعد از اینکه به ستهلم آمدم و شما را ملاقات کردم سعی کردم دادستان را قانع کنم و بررسی کردیم جنایت جنگی است و با بخش جرائم بین‌المللی سویدن تماس گرفتیم. بعد هم گفتم بهتر است یک وکیل سویدنی که به قوانین سویدن و جرائم بین‌المللی آشناست وارد پرونده شود و بعد به دادستانی سویدن مراجعه کردم. من می‌خواهم از فرصت استفاده کنم و تبریک بگویم به دادستان‌های سویدن که بسیار خوب برخورد کردند، این برخلاف کشورهای دیگر بوده که من تلاش کرده‌ام افراد جنایتکار را دستگیر کنیم...

دادستان: حمید نوری نوامبر توسط پولیس دستگیر شد، آیا بعد از دستگیری شما در این مورد صحبتی کردید جایی؟ نظریه‌ای دادید؟

کاوه موسوی: من هیچ صحبتی نکردم، من آگاه بودم هیچ صحبتی نباید بشود، بین ۹ تا ۱۳ نوامبر که برده شد به دادگاه که آیا بازداشت او تمديد می‌شود، من می‌دانستم بین این تاریخ نباید صحبتی بشود و هیچی نگفتم.

دادستان: بعد از آن چه آیا با مطبوعات در این باره حرف زدید؟

کاوه موسوی: بله، بعد از اینکه اسم حمید نوری نوشته شده بود در دادگاه که این‌جا جلسه تعیین بازداشت حمید نوری است، بعد از آن حرف زدم.

دادستان: چه اطلاعاتی به مطبوعات دادید؟

کاوه موسوی: من گفتم برای اولین بار در تاریخ رژیم جمهوری اسلامی ایران طبق عدالت بین‌المللی به جرم‌هایی که در ایران رخ داده (رسیدگی می‌شود)، وقتی بحث حقوق بین‌الملل می‌شود من از هر فرصتی برای بیان این توضیح استفاده می‌کنم.

دادستان: آیا اسم او را بردی و عکسی نشان دادی؟

کاوه موسوی: بله این کار را کردم بعد از اینکه اسم او برده شد در صبح ۱۳ نوامبر ۲۰۱۹.

دادستان: عکس او را هم نشان دادید؟ و مطبوعات از همان عکس استفاده کردند؟

کاوه موسوی: بله، عکس ویزا را نشان دادم.

دادستان: دادیار چیست؟

کاوه موسوی: دادیار دستیار دادستان است، ولی بی معنی است چون...

رئیس دادگاه گفت شاید بهتر است الان که شاهد در مورد ایران و سیستم قضایی صحبت می‌کند، بگوید به عنوان چه کسی این نظریه را مطرح می‌کند.

کاوه موسوی: به عنوان یک متخصص، یک کارشناس، چون جلسه‌های زیادی شرکت کرده‌ام و سال‌های طولانی عضو کانون وکلای ایران بودم، چیزی که باید سویدن بداند این است که چنین چیزی وجود ندارد. سالانه این گزارش‌ها را رد می‌کنند و به سازمان ملل می‌دهند که عدالت در مورد این افراد در ایران رعایت نمی‌شود.

رئیس دادگاه خطاب به شاهد گفت تو ۴۰ سال پیش عضو کانون وکلای ایران بودی درست است؟

کاوه موسوی: بله، من عضو کانون وکلا شدم در زمان شاه... من از آن زمان دریایی از مشکلات در سیستم قضایی ایران دیدم. در ایران سیستم قانونی که عملکردش درست باشد وجود ندارد... من بگویم که الان دیگر عضو کانون وکلای ایران نیستم، ۴۸ ساعت بعد از اینکه جمهوری اسلامی به سر کار آمد دیگر دیدم عدالت و سیستم قضایی وجود ندارد و جوخه‌های اعدام برپا شد.

وکیل مدافع حمید نوری اعتراض کرد و گفت صحبت‌ها خارج از چهارچوب شهادت است:

شما کاوه موسوی را به عنوان شاهد دعوت کرده‌اید نه کارشناس، ولی الان دارد به عنوان کارشناس حقوق قضایی صحبت می‌کند در حالی که به این عنوان دعوت نشده است. وضعیتی که الان کاوه موسوی شروع به بیان کرده چیزی نیست که در مورد شهادت او وارد این مسائل شود.

رئیس دادگاه توضیح داد هدف سلسله مراتب داخل زندان بود و از کاوه موسوی خواست به سوال‌ها واضح جواب بدهد. دادستان: با توجه به اطلاعاتی که شما در مورد سیستم قضایی ایران دارید، آیا اطلاع دارید دادستانی یا دادیاری در زندان چگونه بوده؟

کاوه موسوی: سیستم دادیاری در حقیقت سیستمی است که هدفش... اگر بخواهید من می‌توانم از لحاظ آکادمیک برای شما توضیح بدهم.

دادستان: در این صورت دیگر سوالی ندارم و پس شما در مورد سیستم قضایی ایران چیزی بیشتری برای گفتن ندارید و همین را می‌دانستید، آیا این درست است؟

کاوه موسوی: یک پست سازمانی رسمی به عنوان دادیار و دستیار دادیار وجود داشته، من این را می‌دانم...

سپس وکلای مدافع حمید نوری از کاوه موسوی سوال‌های خود را مطرح کردند.

وکیل مدافع حمید نوری: من چند سوال از شما دارم، شما گفتی ۱۹ اکتبر جلسه‌ای در خانه مختار شالوند داشتی که تعریف کردی، چه کسانی خانه او بودند؟

کاوه موسوی: من، دستیارم خانم مونی، شالوند، اشتیری و ایرج مصداقی و خانم شالوند هم آنجا بود. غیر از این‌ها هیچ کس دیگری نبود.

وکیل مدافع حمید نوری: کسی بود که این جلسه را فیلمبرداری کند؟

کاوه موسوی: نه مطلقاً من اجازه فیلمبرداری ندم. یک مستندی قرار بود بعداً تهیه شود، اما گفتم بعداً، صبر کنید جریان دادرسی در سویدن آغاز شود. اگر هم فیلمبرداری شده باشد برای این نبود که آن را پخش کنیم.

وکیل مدافع حمید نوری: اسم نیما سروسرستانی را شنیدی؟

کاوه موسوی: بله شنیدم.

وکیل مدافع حمید نوری: پس آن روز نیما در آنجا نبود؟

کاوه موسوی: خیر مطلقاً ۱۹ اکتبر خانه شالوند نبود.

وکیل مدافع حمید نوری: به غیر از ۱۹ اکتبر باز هم خانه شالوند بودید؟

کاوه موسوی: بله دو بار دیگر هم آنجا بودیم، متأسفانه دفترچه یادداشت‌ها را نیاوردم، یک بار بعدش بود چون می‌خواستیم شهادت مختار شالوند را بگیریم. همه این‌ها دروغ است، کذب است که ما از سیستم قضایی بخواهیم پول در بیاوریم... تلویزیون ایران اینترنشنال از آن‌ها خواستم مطلقاً این کار را نکنید...

وکیل مدافع حمید نوری: می‌خواهم سوالم را به دو قسمت تبدیل کنم، این دو بار دیگری که خانه مختار شالوند بودید، نیما سروسرستانی در یکی از این دو بار بود یا نه؟

کاوه موسوی: بله در سومین دفعه بود.

وکیل مدافع حمید نوری: پس همان زمان جلسه را فیلمبرداری کردید؟

کاوه موسوی: دقیقاً، این اصلاً یک فیلم سینمایی است، تخیلی است، من تأکید می‌کنم باید تأکید شود این فیلمبرداری آن زمان برای ادله اثباتی نبود، برای شهادت نبود، این را ما می‌دانستیم ۱۹ اکتبر تا ۱۹ نوامبر که آقای نوری دستگیر شد ما نمی‌خواستیم فیلم بگیریم.

وکیل مدافع حمید نوری: به خاطر این که مشخص شود همان فیلمی است به اسم اعدام‌کننده یا جلا؟

کاوه موسوی: من مطمئن نیستم در مورد اسمش، اما فکر کنم همان را می‌گویید. اگر بخواهید سیستم قضایی را زیر سوال ببرید من نیستم، من دخالتی نداشتم و گفتم این کار می‌تواند سیستم قضایی و دادرسی را بهم بریزد، من با همچنین کاری مخالف بودم.

وکیل مدافع حمید نوری: چه کسی به شما قول داد این فیلم پخش نمی‌شود؟

کاوه موسوی: نیما سرورستانی، ایشان خلف وعده کرد، تعهدش را اجرا نکرد. این داستان فاشیست‌های ایران است شما در سویدن همچنین کاری نباید بکنید...

وکیل مدافع حمید نوری: یعنی شما با ایرج مصداقی حرف نزدی که این فیلم را نشان ندهید؟

کاوه موسوی: او برای این فیلم مسئول نبود تا جایی که من می‌دانم، یادم است با او بحث هم داشتیم سر این موضوع و گفتم هیچی نگویید و او هم همین کار را کرد و چیزی نگفت.

وکیل مدافع حمید نوری: آیا ایرج مصداقی دخیل بوده و سهمی داشته در بازاریابی و انتشار این فیلم؟

کاوه موسوی: منظور شما چیست؟ صادقانه بگویم نمی‌دانم، خودش در فیلم است، اما در مورد توهین و تحقیر که این نباید پخش بشود تا وقتی سیستم قضایی سویدن دادرسی را انجام شود، ایرج را مثل آدم صادقی دیدم که از ۹ تا ۱۳ نوامبر سکوت کند و او هم به قولش عمل کرد و به قولی که به من و ربکا داده عمل کرد.

وکیل مدافع حمید نوری: تعریف کردی سال ۲۰۱۱ با مصداقی آشنا شدی در همین سمپوزیومی که در آکسفورد بوده، شخص دیگری را هم آنجا دیدی که بعدها سال ۲۰۱۹ از او مصاحبه بگیری؟

کاوه موسوی: بله حمید اشتري خودش به من گفت که من را در این سمینار دیده بود و ۲۵ نفر از بازماندگان این جریان در این سمینار شرکت کرده بودند، اما من نمی‌دانستم و فقط همین یک نفر بوده که تعریف کرد من را دیده.

وکیل مدافع حمید نوری: مهدی اصلانی را می‌شناسی؟

کاوه موسوی: بله

وکیل نوری: تو یا همکاری در سال ۲۰۱۹ با او مصاحبه کردید؟

کاوه موسوی: نه ما این کار را نکردیم.

وکیل مدافع حمید نوری: چه اطلاعاتی سال ۲۰۱۹ شما از ایرج مصداقی گرفتی؟ الان چند سالی گذشته ممکن حافظه‌ات یاری نکند، ولی فکر کنم چنداناً کپی را اسکن کرده بود در مورد حمید نوری و این‌گونه برداشت کردم که هیچ عکس و ویدیویی از طرف او به دست تو نرسیده بود، درست است؟

کاوه موسوی: می‌توانم این را تایید کنم که فتوکپی‌های اسکن شده به دست من رسید و بخشی هم در مورد تجربیات خود مصداقی در زندان بود که استفاده کردم از آن‌ها تا تحقیق کنم ببینم این شخص کیست و بعد با جفری رابرتسون صحبت کردم. ولی عکس و ویدیویی از ایرج نگرافتم.

وکیل مدافع حمید نوری: می‌خواهم در مورد اظهارات تو در اداره پولیس سؤال کنم، در مورد مستندانی که به دستت رسیده و از طریق چه کسی، که آنجا در بازجویی پولیس در مورد ۱۹ اکتبر توضیح دادی و پولیس از تو پرسیده چه مستنداتی به دستت رسیده که متناقض است با صحبت‌های امروز شما، در بازجویی پولیس گفتی ایرج از طریق واتساپ عکس‌های نوری را فرستاده و در ادامه گفتی ۴ شاهد باید بیایند و تایید کنند که این همان شخص است، سپس پولیس پرسیده چندتا عکس فرستاده و تو گفتی یک عکس پاسپورت و ویدیویی در ماشین و یک ویدیو در پارک و یک عکس که مادر نوری او را ماچ می‌کند و یک ویدیوی دیگر که نوری در فیلم درباره باریدن باران شکایت می‌کند... این‌ها را که خواندم یادت آمد؟

کاوه موسوی: بله، شما یک مزایا داری نسبت به من چون مدارک را داری و می‌خوانی و همان‌طور که گفتی دو سال گذشته، اگر چیزی را فراموش کردم عذرخواهی می‌کنم. بله این مستندات به دستم رسید از طریق ایرج و این بازپرسی در ۱۹ نوامبر نیست در دسامبر بود که از من خواستند به سویدن بیایم.

وکیل مدافع حمید نوری: پس از لحاظ زمانی این نزدیکتر بوده با واقعیت برای شما؟
کاوه موسوی: این دیگر تصمیم با شماست.

وکیل مدافع حمید نوری: در مورد مصاحبه با حمید اشتری در خانه مختار شالوند، این اولین بار است خانه مختار هستید؟ تو این مصاحبه را انجام دادی درست است و سعی کردی در اتاقی جدا از دیگران باشید؟

کاوه موسوی: بله اینگونه نبود اتاق جدا باشد، خانه آنقدر بزرگ نبود، سعی کردیم تا جایی که امکان‌پذیر بود جدا از بقیه باشیم، آن‌ها تلویزیون را نگاه می‌کردند چون یک روزنامه‌نگار مشهور به نام روح‌الله زم ربوده شده بود و ما از این فرصت استفاده کردیم و با همکاری ربکا مونی آگاه بودیم که مستندات و مدارک نباید جلوی بقیه مطرح شود.

وکیل مدافع حمید نوری: آیا شما متوجه شدید قبل از اینکه با حمید اشتری مصاحبه کنید به او عکسی نشان داده‌اند؟
کاوه موسوی: نه آن موقع می‌دانستم نه الان...

وکیل مدافع حمید نوری: از حمید اشتری نپرسیدی وقتی با او مصاحبه کردی؟
کاوه موسوی: یادم نمی‌آید...

وکیل مدافع حمید نوری: وسط ترجمه گفته‌ای که یک عکس از سمت هیرش برای تو می‌آید و عکسی از حمید نوری است، درست است؟
کاوه موسوی: بله درست است...

وکیل مدافع حمید نوری: اما در بازپرسی پولیس متفاوت‌تر از چیزی که الان می‌گویی تعریف کردی. در بازجویی پولیس در مورد مصاحبه با حمید اشتری گفته‌اید اول عکس پاسپورت را نشان او دادی و بعد عکس ویزای شنگن و بعد دو تا از ویدیوها را نشان دادی و در ادامه گفتید او دست‌کم ۴ عکس را دید، این با اظهارات امروز صدق نمی‌کند با چیزی که آن زمان گفتید.

کاوه موسوی: تو می‌گویی این حرف‌های من فرق دارد، من فکر نمی‌کنم به پولیس گفته باشم همه این‌ها را همان دفعه به حمید اشتری نشان داده باشم، من سه بار او را دیدم، بله عکس ویزا را نشان دادم و فکر نمی‌کنم گفته باشم چه زمانی عکس را نشان داده‌ام در بازجویی پولیس...

وکیل مدافع حمید نوری: فعلاً این را کنار می‌گذارم، کنج‌کاو شدم چرا خانه مختار شالوند قرار گذاشتید؟ آیا ایرج این پیشنهاد را داد یا تو و ربکا؟

کاوه موسوی: من نمی‌دانستم مختار شلالوند کیست و حمید اشتری را هم نمی‌شناختم، آدرس را ایرج برای من فرستاد، من از او پرسیدم آیا به پولیس خبر بدهم تا در این محل حضور داشته باشند چون همین‌طور که می‌دانید من بسیار تهدید شده‌ام و ۴ روز بعد از دستگیری حمید نوری پولیس به نزد من آمد و گفت تو جزو نفراتی هستی که تحت خطری... ایرج گفت نه نیازی به پولیس نیست و من کنترلی کردم و دیدم خطری در این آدرس نیست.

وکیل مدافع حمید نوری: بعد از دستگیری حمید نوری وقتی در تلویزیون برنامه داشتی، اولین بار که تو در مطبوعات در مورد این پرونده صحبت کردی چه تاریخی بود؟

کاوه موسوی: ۱۳ نوامبر ۲۰۱۹ بلافاصله بعد از جلسات تعیین بازداشت مشخص شد که باید در بازداشت باشد. وکیل مدافع حمید نوری: گفתי عکسی از ویزای حمید نوری به رسانه‌ها دادی و صورت موکلم کاملاً مشخص است که پخش شده بود.

کاوه موسوی: من نمی‌دانم آن‌ها را آن روز دادم، چون اولین مصاحبه با رادیو بود که رادیو عکس پخش نمی‌کند، بعد با بی‌بی‌سی فارسی بود که چند روز گذشته بود...

وکیل مدافع حمید نوری: گفתי عکس‌ها... یعنی بیش‌تر از یک عکس به رسانه‌ها دادی؟

کاوه موسوی: بله، چون عکس ویزایش بود و عکس پاسپورتش.

وکیل مدافع حمید نوری: گفתי با رادیو صحبت کردی و فرمایش با تلویزیون، با کدام کانال‌ها رادیو و تلویزیونی حرف زدی؟

کاوه موسوی: بله من در مورد حمید نوری رادیو آزادی (رادیو فردا)، منوتو، ایران اینترنشنال، بی‌بی‌سی فارسی و کوتاه هم صدای آمریکا و برخی رسانه‌های اینترنتی...

وکیل مدافع حمید نوری: تلویزیون ایران فردا چی؟

کاوه موسوی: در مورد ایران فردا باید بگویم رادیو است...

وکیل مدافع حمید نوری: به غیر از عکس‌ها فکر کنم گفתי که اسم حمید نوری را برده‌ای بعد از اینکه اسم او در دادگاه مطرح شد، آیا در رسانه‌ها اسم حمید عباسی هم آورده شد؟

کاوه موسوی: ممکن است به این هم اشاره شده باشد، چون سؤال شده چرا یک نفر بخواهد در موارد مختلف از اسم‌های مختلف استفاده کند، پس ممکن است این هم گفته باشم.

وکیل مدافع حمید نوری: آیا بحث حضور نوری در زندان گوهردشت هم شد؟

کاوه موسوی: بله.

وکیل مدافع حمید نوری: اسم دادیار را هم در گوهردشت آوردید؟

کاوه موسوی: فکر نکنم هیچ کدام از این برنامه‌ها از لحاظ فنی این عناوین مطرح شده باشد، فکر نمی‌کنم اسم دادیار برده شده باشد...

وکیل مدافع حمید نوری: پس بحث شد که این آدم چه اعمالی انجام داده است، شرکت در اعدام دسته جمعی زندانیان و غیره... آیا در صفحات مجازی خودت هم عکس و مطالبی منتشر کردی که به این پرونده ربطی داشته باشد؟

کاوه موسوی: دیروز توییت زدم که امروز قرار است شهادت بدهم و موارد اتهامی را مطرح کردم و خودم هم کانال تلگرام هم دارد و آنجا هم مطالبی را منتشر کرده‌ام. اینستاگرام هم حساب کاربری داشتم.

وکیل مدافع حمید نوری: از طریق رسانه‌ها چیزهایی بین افرادی که در این پرونده درگیر هستند چیزهایی رد و بدل شده، من فارسی بلد نیستم اما طبق چیزهایی که شنیدم می‌خواهم سوال بپرسم، آیا در مورد این پرونده از ایرج مصداقی انتقاد کردی؟

کاوه موسوی: من بعد از ۲۱ ماه سکوت را شکستم و به ایرج گفتم از خط قرمزهای قانونی عبور نکن. من به صدای آمریکا گفتم ایرج مصداقی دارد یک فرصت قضایی را از بین می‌برد... او به دروغ گفته بود با یک عملیات پیچیده او را به سویدن آورده‌اند، در حالی که قصه پیچیده‌ای نبوده او را آوردیم سویدن... من واقعا نگران شدم در مورد کارهایی که ایرج می‌کند، من با کارهایی که نیما سروستانی هم می‌کرد مخالف بودم، این‌ها نمی‌فهمند چه‌کار می‌کنند. من به صدای آمریکا هم گفتم این‌که دام برای نوری گذشته شده و آن‌ها مطرح کرده‌اند درست نیست و این بیش‌تر به دادرسی صدمه می‌زند، من به‌عنوان وکیل می‌گویم چرا نوری دستگیر شد؟ من یوران را انتخاب کردم و به این پرونده آوردم، حرف‌هایی که ایرج مصداقی زد با آن تلویزیون که یوران و دادستان و این‌ها دوست بودند درست نیست، این فساد مال ایران است، این حرف‌ها درست نیست و دادرسی را به خطر می‌اندازند... من باید این را محکوم می‌کردم.

وکیل مدافع حمید نوری: گفתי کسی با تو تماس گرفت و با تیم حقوقی قضایی نوری ربط داشت درست است؟ کاوه موسوی: من عمدا نیامدم، نمی‌خواستم رسانه‌ها را تغذیه کنم، یک نفر به من زنگ زد و گفت وکلای نوری قرار است تو را به عنوان شاهد به دادگاه بکشند....

وکیل مدافع حمید نوری: آدمی که از طرف تیم حقوقی نوری با شما تماس گرفت گفت کیست؟ کاوه موسوی: گفت ... (صحبت نامفهوم) شوکه شدم... گفتم تیم مدافع نوری یک برگه به دادگاه بدهند و بگویند دادگاه منحل...

وکیل مدافع حمید نوری: تحقیق کردی این آقای ... چه کسی بود؟ کاوه موسوی: من به قدری شوکه شده بودم، این همه جنابت علیه بشریت در ایران، بعد این‌گونه پیشینه این قضیه را کذب و غلط مطرح کنند و بخواهند دادستانی را به اشتباه بیندازند... برای من ناشناس بود و شماره‌اش هم ناشناس بود... می‌خواست ببیند آیا من برای شهادت به دادگاه می‌آیم یا نه.

وکیل مدافع حمید نوری: پس در صدای آمریکا در مورد ایرج صحبت کردی و گفתי از حقیقت دارید یک چهره دروغین نشان می‌دهند، پس در این مصاحبه (ایرج) دروغ گفته شده بود؟

کاوه موسوی: بله دقیقا، مصداقی پیشینه این موضوع را می‌دانست، او می‌گفت من رفتم لندن که نگذارم پولیس امنیت سویدن و انگلیس بدانند ما مشغول چه کاری هستیم. به لندن آمد و به من گفت ترتیبش را بده حمید نوری را دستگیر کنیم... این دروغ محض بود... در این زمان وقتی ایرج نبود، من یک تیم حقوقی قضایی تشکیل دادم و کلی پول هزینه کردم برای دستگیری نوری، آن زمان ایرج مصداقی آمریکا بود. من بعد از ۲۱ ماه یک نامه سرگشاده به مردم ایران نوشتم در مورد خطری که قاضی دادگاه را باطل اعلام کند.

بعد از این سوال و پاسخ‌ها وکیل مدافع حمید نوری گفت باید با موکلش ۵ دقیقه مشورت کند. در ادامه وکیل مدافع حمید نوری گفت: تو گفתי سه بار منزل مختار شالوند بودی که تاریخ دو بار را به یاد نداری، جلسه دوم چه کسانی حضور داشتند؟

کاوه موسوی: مختار شالوند، ایرج مصداقی، حمید اشتري، یکی از اعضای جوان که از خویشاوندان مختار بود و نیما سروستانی.

وکیل مدافع نوری: ربکا هم بود؟

کاوه موسوی: بله

وکیل مدافع نوری: آخرین سؤال؛ دفعه سوم چه کسانی بودند؟

کاوه موسوی: ربکا، من، مختار، حمید... دلیل این که به این نتیجه رسیده بودیم که اظهارات مختار شالوند را بشنویم...

وکیل مدافع نوری: نیما سروسنانی نبود؟

کاوه موسوی: سومین بار آنجا بود، ببخشید اشتباه گفتم، دفعه دوم نبود...

وکیل مدافع نوری: ایرج مصداقی هم بود؟

کاوه موسوی: ایرج هم بود که شروع کردند از ماشین پیاده شدن به فیلم گرفتن...

وکیل مدافع نوری: یادت می آید فاصله زمانی این ملاقات ها چه زمانی بود؟

وکیل مدافع نوری: کاش دفترم را آورده بودم، من ماه دسامبر آمدم دادستان را ملاقات کردم در آن دوره و واقعا متأسف شدم، غمگین شدم وقتی رسیدم آنجا دوربین آنجا بود و من تایید کردم که واقعا جای تأسف است و این کارها باعث می شود موفقیتی که برای اجرای عدالت و دستگیری این شخص داشتیم خراب می شود.

پس اتمام شهادت کاوه موسوی، نوبت به ارائه شهادت ربکا مونی رسید. وکیل انگلیسی پس از یاد کردن سوگند، شهادت خود را ارائه داد.

دادستان خودش را معرفی کرد و از ربکا مونی هم خواست ابتدا خودش را معرفی کند و بگوید چه ارتباطی با این پرونده دارد.

ربکا مونی: من وکیل مشاور و عضو کانون وکلای انگلیس هستم، و کسی که شکایت کرده، کاوه موسوی، از من به عنوان مشاور درخواست کرده با او همکاری کنم و دفتر مک کویی را دارم.

دادستان: چگونه وارد این پرونده شدی؟

ربکا مونی: فکر کنم ۱۶ اکتبر ۲۰۱۶ کاوه موسوی با من تماس گرفت و کسی به نام ایرج مصداقی هم با او تماس گرفته بود و درباره شخصی بود که می توانست مظنون باشد و در مورد گذشته تعریف کردند و قتل عامی که در زندان رخ داده است و گفته بود این شخص مظنون احتمالا به سویدن می آید. ما ۱۹ اکتبر در خانه مختار شالوند قرار گذاشتیم.

دادستان گفت یک سؤال کنترلی دارد: کاوه موسوی از تو کمک خواست در این پرونده؟

ربکا مونی: بله او اولین کسی بود که در مورد این پرونده با من صحبت کرد.

دادستان: چه کسانی در این جلسه بودند؟

ربکا مونی: من، کاوه موسوی، ایرج مصداقی، حمید اشتری و مختار شالوند... این را هم اضافه کنم همسر مختار در خانه بود ولی در جلسه شرکت نداشت.

دادستان: این اولین باری بود که تو مصداقی را دیدی؟

ربکا مونی: بله

دادستان: بعد در این جلسه چه اتفاقی افتاد؟

ربکا مونی: اولاً طول کشید برای این که خودمان را به هم معرفی کردیم... اولین مکالمه که کمی پرمفهوم بود یک مکالمه تصویری با هیرش بود و مسلماً ما کلی اطلاعات در مورد شخص مظنون گرفتیم که در راه بود...

دادستان: بعد از این مکالمه تلفنی با افراد داخل خانه حرف زدید؟

ربکا مونی: بله، آن ها می خواستند روایت خودشان را بگویند و من هم خیلی نیاز داشتم اطلاعات را دریافت کنم با بتوانم نظر خودم را بگویم چون چیزی تصمیم گیری نشده بود و بستگی داشت به زمینه ای که وجود داشت... من به عنوان یک

وکیل مشاور هستم، نمی‌توانستم تصمیم‌گیری بکنم، همه عجله داشتند، می‌خواستم با همه تا جایی که امکان‌پذیر بود تکتک صحبت کنم بدون این‌که دیگران حضور داشته باشند. من با آن‌ها صحبت کردم در اتاق‌های مختلف و در طول روز خیلی جزئیات را یادداشت کردم و بعد از آن می‌توانستم تک تک با آن‌ها صحبت کنم و از طریق ایمیل هم تماس داشتم و از حمید اشتري خواستم با سلسله مراتب زمانی توضیح بدهد و مهم بود که موسوی هم با من باشد چون من فارسی بلد نیستم و او کارش بسیار خوب است.

دادستان: وقتی با اشتري صحبت کردید به او فیلم و عکسی نشان دادید؟

ربکا مونی: من شخصا هیچ عکس و ویدیویی نداشتم، این اولین باری بود که حضور داشتم و این مکالمه تلفنی 16 اکتبر بود. ممکن است شاهد‌ها بین خودشان عکس پخش کرده باشند، ولی من نمی‌توانم بگویم از لحاظ زمانی چه زمانی بوده، عکس‌ها از طرف هیرش آمده بود نه کاوه موسوی...

دادستان: به یاد داری کاوه موسوی عکسی نشان داده باشد؟

ربکا مونی: اگر منظورتان آن جلسه است نه متأسفانه یاد نمی‌آید.

دادستان: وقتی با اشتري مصاحبه می‌کردی آیا متوجه شدی عکسی نشان داده شده و او عکس‌ها را دیده یا نه؟

ربکا مونی: من یادم نمی‌آد او عکسی قبل از مصاحبه دیده باشد یا در حین جلسه، ولی در مورد این‌که این شخص کی بود و از کجا این شخص را می‌شناختند این بخش عمده مکالمه بود...

دادستان: شناسایی کردن این شخص (حمید نوری) تا جایی که به یاد داری بر مبنای عکس بود یا توصیفات؟

ربکا مونی: بله شناسایی از طریق عکس و ویدیو بود، ولی من دقیقاً یادم نمی‌آد روند کار در کدام جلسه بود... اما قبل از این بود که بخش جرائم سویدن فرستاده شود...

دادستان: خودت آیا عکسی از شخص مظنون دیدی آن روز؟

ربکا مونی: بله

دادستان: پس در آن جلسه عکس‌هایی از شخص مظنون وجود داشت؟

ربکا مونی: بله، ولی من یادم نمی‌آد آیا این عکس‌ها از طریق مکالمه با هیرش بود یا اشخاصی که آنجا بودند نشان دادند...

دادستان: مصاحبه با اشتري را چگونه مستند کردی؟

ربکا مونی: من در لپ‌تاپم می‌نوشتم...

دادستان: با شاهد دیگری مصاحبه کردی؟

ربکا مونی: بله با ایرج مصداقی و آن را هم با همان روش تایپ می‌کردم...

دادستان: آیا با شاهد دیگری هم مصاحبه کردی در زمان دیگری؟

ربکا مونی: بله، در درجه اول با این سه شخص صحبت کردم و بعد از آن روز تماسم با آن‌ها ادامه پیدا کرد و این مصاحبه‌ها ادامه پیدا کرد، از طریق تلفن و ایمیل تماس داشتیم و ۳۰ اکتبر یک مکالمه ویدیویی داشتم با یک شاهد دیگر که فکر می‌کنم اسمش مسعود اشرف بود که تابعیت سویدن را داشت و از مشاهدات خودش از قتل عام در زندان‌ها گفت که بسیار مصاحبه کلیدی بود.

دادستان: پس در محل فقط با دو نفر مصاحبه کردی؟

ربکا مونی: من مکالمه تلفنی با هیرش داشتم که نمی‌دانستم باید آن را مستند کنم، اما بعداً مصاحبه‌های بهتری با آن‌ها انجام دادم...

دادستان: به نظر شما وقتی شهود عکس‌ها را دیدند واکنش‌شان چی بود؟

ربکا مونی: آن‌ها مطمئن بودند که این همان فردی بوده که در دوران اعدام‌ها دادیار بوده و ظاهراش کاملاً مشخص بود، همان آدم در زندان حمید نوری است.

دادستان: به نظرت شهود وقتی عکس‌ها را می‌دیدند اولین بار بود یا قبلاً هم دیده بودند؟

ربکا مونی: من معتقدم ایرج مصداقی قبلاً کپی این عکس‌ها را داشته، مطمئن نیستم، چون می‌شد فهمید قبلاً این عکس‌ها را دیده باشند. چون مقداری اختلاف هم بود در مورد این‌که در زندان اسمش چیز دیگری بوده و فرق داشته با بیرون از زندان... می‌دانم که ایرج مصداقی عکس‌ها را دیده بود...

دادستان: شما با اظهارات شهود چه کار کردید؟

ربکا مونی: بعد از جلسه من یادداشت‌هایم را برداشتم و خیلی علاقه‌مند بودم که آن‌ها را به اظهارات شهود رسمی تبدیل کنم... من مقداری هم به منابعی که اشاره شده بود سعی کردم یک تسلسل تاریخی معقولی به موضوع بدهم که آن‌ها یادشان می‌آمد گاهی کمی پس و پیش می‌گفتند... از شهود سؤال کردم با جزئیات برایم توضیح بدهند و این پیش‌نویس‌ها را آنها هم در میان گذاشتم و باهم بررسی کنیم که متنی تهیه شده توسط من درست باشد و نهایتاً مورد تایید شهود قرار گرفت.

دادستان: پس این را به صورت یک شکایت به پولیس سویدن تحویل دادید؟

ربکا مونی: بله درست است ولی این اسناد و مدارک بسیار مفصل بود با جزئیات زیاد... البته مقداری هم اسناد رسمی در مورد این اعدام‌ها وجود دارد، قطع‌نامه سازمان ملل، آتش بسی که بین ایران و عراق انجام شد، فتوا و مقدار زیادی هم اطلاعات جانبی زیادی هم وجود دارد... کاوه موسوی نقش قطعی داشت که این اطلاعات را به ما بدهد. با این پاسخ ربکا مونی دادستان گفت سؤالی دیگری از او ندارد. سپس وکلای مدافع حمید نوری سؤالات خود از ربکا مونی را آغاز کردند.

وکیل مدافع حمید نوری: من می‌خواهم درباره عکس‌هایی که 19 اکتبر در خانه مختار شالوند بود سوال ببرسم، شاید جزئیات قضیه را به یاد ندارید، اما علاقه‌مندم بدانم چه عکس‌هایی نشان داده شد؟ به یاد نداری کاوه هم عکسی نشان داده باشد؟

ربکا مونی: اگر در مورد جلسه ۱۹ اکتبر صحبت می‌کنیم من عکسی در اختیار نداشتم البته بعدش چرا چون اسناد را جمع‌آوری می‌کردیم... اما متوجه سؤال شما نمی‌شوم.

وکیل مدافع حمید نوری: تو یا کاوه در جلسات دیگر عکس‌هایی به شهود نشان دادید؟

ربکا مونی: ۴ نوامبر نشان دادم، پرونده را جمع کرده بودیم و اسناد و مدارک داشتیم، یا شاید جلسه دیگری بود یادم نمی‌آید حرفی با شهود زده باشیم در این زمینه، اما مطمئن هستم این شهود گفتند که این فرد مظنون را می‌شناسد و به جا می‌آورند.

وکیل حمید نوری: دادستان در مورد درک شما پرسید درباره این‌که این افراد قبلاً این عکس‌ها را دیده بود یا نه، شما گفتید فکر می‌کنید عکس‌ها قبل از جلسه به دستش رسیده بود و احتمال دارد قبل از جلسه حمید اشتري هم دیده باشد.

ربکا مونی: سؤال را متوجه نشدم، نمی‌توانم جوابتان را بدهم، ۱۶ اکتبر کسی با من تماس گرفت و گفت کسی که دادیار بود قرار است بیاید و این عکس‌ها بخشی از ادله اثباتی بوده، اما نمی‌توانم به قطع پاسخ شما را بدهم...

وکیل مدافع حمید نوری: شما در بازپرسی پولیس شرکت کردید، من می‌خواهم به آن رجوع کنم، تا جایی که من متوجه شدم کمی تناقض دارد، در ۱۰ دسامبر ۲۰۱۹ پولیس حرف‌های تو را این‌گونه درک کرده است که در مورد عکس‌ها

گفته‌ای که به شاهدها نشان داده شد اما آن‌ها عکس‌ها را از قبل دیده بودند، آن‌ها عکس‌ها را بین خودشان پخش کرده‌اند و دوباره چند پابین‌تر هم نوشته شده که شاهدها از قبل عکس‌ها را دیده‌اند. پس استنباط تو این بود که شاهدها عکس‌ها را از قبل بین خودشان پخش کردند؟

ربکا مونی: فکر کنم درسته من قبلا هم گفتم نمی‌توانم بگویم شاهدها کی و کجا عکس‌ها را دیدند یا پخش کردند....

وکیل نوری: ولی این‌جا داری واضح به پولیس می‌گویی که آن‌ها عکس‌ها را دیده‌اند...

ربکا مونی: درست است، اما من یادم نمیاد من عکس‌ها را در کامپیوترم داشتم که به آن‌ها نشان بدهم.

وکیل نوری: می‌دانی از این شهود کسی بوده که اطلاعات از ایرج گرفته باشند قبل از اینکه تو با آن‌ها مصاحبه کنی؟

ربکا مونی: وقتی که در مورد شهود که می‌گی آن‌ها چندین سال بود که با هم دوست بودند...

وکیل نوری: با مسعود اشرف سمنانی هم مصاحبه اسکایی داشتی، اسم او را از چه کسی گرفتی؟

ربکا مونی: من یادم نمیاد آیا از کاوه موسوی گرفتم یا از مصداقی یا حمید اشتری... اما شاهدها او را می‌شناختند... به احتمال زیاد از کاوه موسوی بوده.

با این پاسخ ربکا مونی وکلای مدافع حمید نوری گفتند دیگر سؤال بیش‌تری ندارند و جلسه دادگاه به پایان رسید. اما وکلای مدافع حمید نوری ۵ دقیقه زمان خواستند تا موکل‌شان مشورت کنند و بعد از این وقفه کوتاه در مورد نیما سروسستانی و فیلم‌برداری از ربکا مونی سؤال پرسیدند و او نیز توضیح داد گفته است زمانی که مشغول اخذ اظهارات شهود است فیلم‌برداری نکند. ربکا مونی گفت نیما سروسستانی فیلم‌برداری انجام داد، اما نه در بخشی که اظهارات شهود اخذ می‌شد.

در جلسه روز چهارشنبه، حمید نوری به استفاده شاهد از عبارت «خمینی ملعون» واکنش بسیار تندی نشان داد. نوری با صدای بلند گفت: «این کاوه بی‌ادب، حق توهین به رهبر ایران رو نداره.» و شاهد را ملعون خطاب کرد.

قاضی دادگاه در واکنش گفت متهم حق ندارد که به این شکل دادرسی را قطع کند. قاضی به نوری اخطار داد که در صورت تکرار این رفتار او را به اطاق دیگری منتقل می‌کند تا ادامه دادرسی را از آن‌جا گوش کند. حمید نوری همچنین نحوه عملکرد دادستان‌ها و وکلای شاکیان پرونده را زیر سؤال برد که قاضی ضمن توضیح روند دادرسی، موارد مطرح شده توسط نوری را منتفی دانست.

با امید این که این دادگاه نوری جنایت‌کار حکومت اسلامی ایران، تحت تأثیر خودخواهی و رقابت و جدل گرایش‌ها افراد و سازمان‌های مختلف قرار نگیرد و بر دادخواهی مردم علیه حکومت جهل و جنایت و ترور اسلامی ایران، سایه نیاندازد.

جلسه بعدی دادگاه روز جمعه، پنجم اسفند ۱۴۰۰ با شهادت مجدد ایرج مصداقی در ستهلم سویدن برگزار خواهد شد.